



Exploring the Conditions Leading to Taxpayer Tax Evasion, Case Study: Yazd Province

Alireza Zare* 

PhD Student in Public Administration, Yazd Islamic Azad University, Yazd, Iran; representative of the Yazd Province Tax Dispute Resolution Board, Yazd, Iran

SeyedAlireza Afshani 

Professor, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Negin Naeimi 

PhD Student in Sociology, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Abstract

Taxes, as a source of government revenue for the providing of various social, welfare, cultural services etc., have a long history. Regarding to the importance of taxes in the economic and social development of societies and the distance from desirable and voluntary tax behavior, it is necessary to provide areas of trust and public participation in the tax's payment. Therefore, the present study was conducted with the aim of identifying the contexts that undermine taxpayer trust and participation. In order to achieve the overall goal of the study and in line with the interpretive paradigm, a qualitative approach and grounded theory method were used. Data were collected by conducting in-depth interviews with 7 experts from the General Tax Administration of Yazd Province. By analyzing the data through three processes of open, axial, and selective coding, a final core category indicates the process by which tax collection authorities and taxpayers alienate from ideal tax paying - tax collection, and it can be said that under the influence the structural, social, economic and cultural context and conditions represented based on findings, value tax paying and loses its meaning and it has become counterproductive, with will have consequences.

Keywords: Deliberate Tax Evasion, Deterministic Tax Paying, Participation, Taxpayers.

* Corresponding Author: afshanalireza@yazd.ac.ir

How to Cite: Zare, A., Afshani, S. A., & Naeimi, N. (2025). Understanding the Conditions Leading to Taxpayer Tax Evasion. *Journal of Tax Research*, 33(66), 99-122.



سازمان امور مالیاتی کشور

-- مجله علمی، پژوهشنامه مالیات --

شماره ۶۶، دوره ۳۳، تابستان ۱۴۰۴، ۹۹-۱۲۲

taxjournal.ir

DOI: /

واکاوی بسترهای منتهی به مالیات‌گریزی مؤدیان: مطالعه موردی استان یزد

دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

علیرضا زارع* 

دانشجوی دکترا اقتصاد، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

سید علیرضا افشانی 

دانشجوی دکترا اقتصاد، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

نگین نعیمی 

چکیده

مالیات به عنوان منبع درآمدی دولت برای ارائه انواع خدمات اجتماعی، رفاهی، فرهنگی و غیره از قدمتی بس طولانی برخوردار بوده است. با نظر به اهمیت مالیات در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع و فاصله از رفتار مالیاتی مطلوب و داوطلبانه، فراهم‌سازی زمینه‌های اعتماد و مشارکت عمومی در پرداخت مالیات ضروری می‌نماید. بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناسایی بسترهای تضعیف‌کننده اعتماد و مشارکت مؤدیان، انجام شده است. به منظور نیل به هدف کلی پژوهش و همسو با پارادایم تفسیری، رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای به کار گرفته شد. داده‌ها با اجرای مصاحبه‌های عمیق با ۷ نفر از کارشناسان اداره کل مالیاتی استان یزد، گردآوری شده است. با تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، یک مقوله هسته نهایی تحت عنوان «بیگانگی نظری-عملی از مالیات‌ستانی/مالیات‌دهی ایده‌آل» پدیدار شده است. مقوله هسته نهایی حاکی از فرایندی است که از یک طرف کادر مالیات‌ستانی و مؤدیان مالیاتی از مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل بیگانه می‌شود و همسو با این بیگانگی اغلب استراتژی‌های نابهنجارانه‌ای به کار می‌گیرند که وارونگی ارزشی و عملیاتی مالیات‌دهی را به دنبال دارد و در فرایندی برگشتی مجدداً بیگانگی تولید و بازتولید می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت تحت‌تأثیر بستر و شرایط ساختاری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بازنمایی شده مبتنی بر یافته‌ها، مالیات‌دهی ارزش و معنای خودش را از دست داده و به ضد ارزش تبدیل شده است که پیامدهایی را به همراه خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: بیگانگی از مالیات، دارایی، مشارکت، مؤدیان.

مقدمه

موضوع مالیات و فرایند پرداخت آن در سالیان اخیر به یکی از موضوعات مهم جامعه ایران تبدیل شده است. به ویژه این که در سال‌های اخیر دولت به دلیل تحریم‌های اقتصادی و کاهش قدرت فروش منابع زیرزمینی به درآمدهای مالیاتی نیاز بیشتری پیدا کرده است. (Zare et al., 2022: 60) دولت به مالیات به عنوان یک منبع مهم درآمدی، توجه ویژه‌ای دارد و شیوه‌های اخذ مالیات را ناقص و ناکارآمد می‌داند و در تلاش است که این شیوه‌ها را تغییر بدهد. از طرف دیگر، قشرهای مختلف مردم به میزان و شیوه اخذ مالیات، نقدهای متعددی دارند و مؤدیان نیز همواره برای پرهیز از پرداخت مالیات، تلاش می‌کنند.

بهبود و توسعه مشارکت عمومی در پرداخت داوطلبانه مالیات و افزایش تمکین از برنامه‌های اصلی نظام‌های مالیاتی در کشورهای مختلف می‌باشد. اجرای سیستم مالیات‌ستانی بدون مشارکت و همکاری مردم امکان‌پذیر نخواهد بود و انتخاب و اجرای یک سیستم مالیات‌ستانی مناسب می‌تواند در توسعه اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد (Sameti et al., 2015: 258). یکی از بهترین راه‌ها برای وصول مالیات توأم با رضایت، فرهنگ‌سازی مالیاتی و اعتمادسازی در بین مردم و اهالی کسبه است و برای این کار لازم است ارتباط با مردم و جامعه بیشتر شود. از نظر اقتصاددانان وجود یک نظام مالیاتی کارآمد برای ارتقای رفاه اجتماعی از ضروریات است. هرچه صرف مالیات در جامعه برای ارائه خدمات و بهبود رفاه اجتماعی ملموس‌تر باشد، شهروندان با طیب خاطر بیشتری آن را می‌پردازند (Zayer, 2009: 168). اهمیت بررسی موضوعاتی در حیطه مشارکت مردی در زمینه پرداخت مالیات بدین خاطر است که پرداخت مالیات وظیفه‌ای است همگانی بر دوش هر یک از افراد جامعه تا دولت بتواند نقش خود را به درستی ایفا کند. به ویژه این که در ایران نیز بخاطر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، میزان بالای مالیات و اثرات نامحسوس مالیات و غیره، پدیده گریز از پرداخت مالیات در حال گسترش است. (Zare et al., 2022: 32) از آنجایی که برخی از افراد و شرکت‌ها نیز به دنبال فرار و یا اجتناب از پرداخت مالیات هستند، این روند، منابع دولت را کاهش می‌دهد و در نتیجه، دولت در تخصیص سرمایه‌گذاری‌های لازم، با کمبود مواجه خواهد شد. لذا سلامت اقتصادی کشور منوط به ایجاد ساختار درآمدی و مالیاتی سالم با استقرار نظام مالیاتی قوی و هدفمند است. اما از آنجا که یکی از شروط اساسی ایجاد نظام مالیاتی مطلوب، مقبولیت آن از سوی مردم و پرداخت داوطلبانه مالیات است، نیاز است راه‌هایی برای جلب اعتماد مردم به این امر و مشارکت داوطلبانه یافت شود.

از مبانی نظری تحقیق می‌توان دریافت که میزان توسعه‌یافتگی کشورها ارتباط مستقیمی با میزان تمکین داوطلبانه مالیاتی در آن‌ها دارد. کشورهای توسعه‌یافته‌تر فرارهای مالیاتی کمتری را تجربه کرده و سهم بزرگی از درآمدهای دولت از طریق اخذ مالیات تأمین می‌شود. در کشورهای توسعه‌نیافته و یا درحال توسعه پرداخت مالیات به عنوان یک ارزش اجتماعی، کمتر مورد توجه واقع شده است و به دلایل مختلف، فرار مالیاتی زیادی صورت می‌گیرد. اقتصاد ایران نیز به عنوان یک کشور درحال توسعه از فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات که دو رویکرد متفاوت از عدم تمکین مالیاتی هستند رنج می‌برد و بدیهی است که در چنین وضعیتی مشارکت مالیاتی و تمکین داوطلبانه به مراتب سطح پایینی خواهد داشت.

از طرفی با توجه به تحریم‌های متعددی که اقتصاد ایران با آن روبه‌رو است و همچنین با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، لازم است با توجه به بسترهای حاکم در فرایند پرداخت یا گریز از پرداخت مالیات، راهکارهایی جهت افزایش مشارکت مردم و به حداقل رساندن عدم تمکین مالیاتی و ترغیب آنان به تمکین داوطلبانه کشف نمود. بنابراین هدف اصلی از انجام این پژوهش شناسایی بسترهایی تضعیف‌کننده اعتماد و مشارکت مؤدیان در پرداخت مالیات است تا با شناخت آن‌ها، بتوان با به حداقل رساندن بسترهای عدم تمکین مالیاتی، راهکارهایی به کار بست تا از رهگذر آن، مشارکت مؤدیان در پرداخت داوطلبانه مالیات تقویت شود.

پیشینه پژوهش

نیازی و همکاران (۱۴۰۳) یک مدل چهار سطحی از عوامل تأثیرگذار در افزایش مشارکت عمومی مردم در پرداخت مالیات را استخراج نمودند که در سطح چهارم، عوامل قانونی در سطح سوم، عوامل آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ویژگی روان‌شناختی در سطح دوم و عوامل سازمانی و مدیریتی در سطح اول قرار گرفته‌اند. عوامل سیاسی و جمعیت‌شناختی بالاترین اثرگذاری را بر گرایش به پرداخت مالیات دارند. براساس نتایج حاکمیت شفافیت در مصرف مالیات توسط دولت با جلب اعتماد مؤدیان و بالا رفتن اعتماد سیاسی، سبب افزایش گرایش افراد به پرداخت مالیات می‌گردد.

ربیع‌یگی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که الگوی روحیه مالیاتی حول مقوله محوری فضای مجازی، دموکراسی و تبلیغات قرار دارد که تحت‌تأثیر شرایط علی شکل می‌گیرد. مقوله محوری با استفاده از راهبردها به تقویت روحیه مالیاتی کمک می‌کنند و پیامد آن بهبود

شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و مبارزه با پولشویی است. عدم عدالت مالیاتی، چابک سازی و پیچیدگی قوانین مالیاتی نیز از شرایط مداخله گر بر الگوی روحیه مالیاتی است و فرهنگ سازی و برقراری عدالت مالیاتی از جمله راهبردهای تقویت روحیه مالیاتی محسوب می‌شوند.

سنجرائی (۱۴۰۰) بیان کرد متغیر پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی با پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی ارتباط معکوس و متغیرهای توجه به منابع انسانی کارآمد، گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، آگاهی و به‌روز بودن اطلاعات مدیران، وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان و رعایت اصول تعیین مالیات با پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی ارتباط مستقیمی دارند. همچنین از نظر کارشناسان امور مالیاتی، اولویت‌بندی هریک از عوامل مؤثر بر دریافت مالیات از مؤدیان به‌ترتیب زیر می‌باشد: ۱- گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، ۲- پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی، ۳- رعایت اصول تعیین مالیات، ۴- توجه به منابع انسانی کارآمد، ۵- آگاهی و به‌روز بودن اطلاعات مدیران، ۶- وجود پاداش و تنبیه متناسب با عملکرد مؤدیان.

آقاخان (۱۳۹۷) دریافت که بین افزایش اعتماد مالیاتی در ابعاد عدالت اجتماعی، احترام اجتماعی، پاسخگویی اجتماعی و شفاف‌سازی اجتماعی و ادراک مشارکت عمومی در پرداخت مالیات در سطح جنسیت و مدرک تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد، اما برحسب نوع شغل پاسخگویان تفاوت معناداری در بین آن‌ها وجود ندارد.

صیادی‌سومار و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند از دیدگاه مودیان عواملی نظیر عدالت در دریافت و توزیع مالیات، شرایط سیاسی کشور و استفاده از روش‌ها و تکنولوژی‌های نوین جهت اطلاع مودیان و کادر مالیاتی مهمترین عامل‌ها می‌باشند، درحالی‌که از دیدگاه کادر مالیاتی تأثیر وضعیت اقتصادی و شرایط سیاسی کشور از بقیه عوامل تأثیرگذارتر می‌باشند.

ملانظری و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند فرهنگ سازمانی بر تمکین مالیاتی شرکتی اثر شایان توجهی دارد و تمکین مالیاتی شرکت‌ها، از طریق اجتناب از عدم اطمینان کم، فردگرایی زیاد، مردگرایی زیاد و فاصله قدرت کم مشخص می‌شود.

ایزدبخش و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که ترویج فرهنگ مالیاتی و قوانین و مقررات مالیاتی، به عنوان مؤثرترین عامل و عقاید و باورهای عمومی و انتظارات مؤدیان مالیاتی از نتایج حاصل از پرداخت مالیات، از دیگر عوامل مؤثر در جلب اعتماد و مشارکت عمومی جهت پرداخت مالیات بوده است.

حمزه^۱ و دیگران (۲۰۲۳) نشان دادند که سواد مالیاتی، نگرش جامعه، رهبری و مسئولان محلی بر مشارکت جامعه در پرداخت مالیات مؤثر است.

سریواستوا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند نگرش منفی و مثبت مصرف کنندگان نسبت به دولت و میزان دینداری مردم در مشارکت آن‌ها در پرداخت مالیات تاثیر دارد.

ژیا و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که اعتماد اجتماعی باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد. هم‌چنین در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی ضعیف، رابطه بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی قوی‌تر است.

با مرور پژوهش‌های پیشین می‌توان دریافت که تقسیم‌بندی‌های مختلفی از عوامل مؤثر در تمایل به پرداخت مالیات و یا فرار مالیاتی انجام شده است که طیف وسیعی از عوامل ساختاری، رفتاری، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، و غیره را در برمی‌گیرد که به وسعت دید پژوهشگر کمک می‌کند. به‌طور کلی اغلب تحقیقات انجام شده به بررسی عوامل مؤثر در تمایل به پرداخت مالیات، ارتقای فرهنگ مالیاتی و یا بررسی آسیب‌های نظام مالیاتی و عوامل مؤثر در فرار مالیاتی پرداخته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر، بر اساس مسأله و اهداف تحقیق، رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد انتخاب شد. بستر تحقیق حاضر، شهر یزد بوده است. کارشناسان اداره کل امور مالیاتی شهر یزد که حامل انواع تجربه‌های زیسته در موقعیت بوده و امکان دستیابی پژوهشگر به اطلاعات غنی و مورد نیاز را تسهیل می‌کند، در پژوهش مشارکت داشتند.

مصاحبه‌های مقدماتی، محقق را در انجام مصاحبه‌های عمیق‌تر و شناخت بهتر میدان تحقیق جهت نمونه‌گیری نظری و هدفمند هدایت کرد. بنابراین طبق نمونه‌گیری نظری و هدفمند، ۷ نفر از کارشناسان اداره کل امور مالیاتی شهر یزد انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. البته لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت زمانی و دسترسی، نمونه‌ها فقط از کارکنان سازمان امور مالیاتی استان یزد انتخاب شدند. این امر می‌تواند تعمیم‌پذیری نتایج را محدود کند. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، نمونه‌ها گسترده‌تر و متنوع‌تر انتخاب شوند.

اما نمونه‌های انتخابی دارای سوابق شغلی متفاوت بودند. مشارکت کنندگان دارای مدرک

1. Hamzah

2. Srivastava

تحصیلی در رشته‌های حسابداری، مدیریت مالی و دولتی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده‌اند. این افراد به دلیل تجارب کاری بین ۳ تا ۲۵ سال و تجارب علمی، از درک عمیقی نسبت به نظام مالیاتی و فرایند و چالش‌های آن برخوردار بوده‌اند. عناوین شغلی آن‌ها که بالاترین آن‌ها رئیس گروه مالیاتی و امور حسابرسی تا پایین‌ترین آن‌ها که حسابرس مالیاتی بوده‌اند، به همراه سایر ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان تحقیق، در جدول ۱ خلاصه شده است:

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	شغل	سابقه کار	عنوان شغلی	اطلاعات تحصیلی
۱	علیرضا	کارشناس	۶ سال	حسابرس ارشد مالیاتی	کارشناسی ارشد حسابداری
۲	صالح	کارشناس	۵ سال	حسابرس ارشد مالیاتی	کارشناسی مدیریت دولتی
۳	رضا	کارشناس	۱۵ سال	رئیس گروه مالیاتی	کارشناسی ارشد مدیریت دولتی-مالی
۴	میلاد	کارشناس	۲۵ سال	معاون حسابرس مالیاتی	کارشناسی ارشد مدیریت مالی
۵	مرضیه	کارشناس	۳ سال	حسابرس مالیاتی	کارشناسی حسابداری
۶	احمد	کارشناس	۱۶ سال	رئیس امور حسابرسی مالیاتی	کارشناسی ارشد حسابداری
۷	صادق	کارشناس	۷ سال	حسابرس ارشد مالیاتی	کارشناسی ارشد حسابداری

در تحقیق حاضر، ابتدا برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه مکالمه‌ای غیررسمی استفاده شد و مصاحبه‌ای اولیه با دو تن از مشارکت‌کنندگان (جدا از مشارکت‌کنندگان اصلی) صورت پذیرفت که نتیجه آن خلق مفاهیم، سوالات اولیه، و آشنایی بیشتر با میدان تحقیق توسط محقق بود. پس از آن که مفاهیم و مقولات اولیه آشکار شدند، با استفاده از رویکرد مصاحبه عمومی، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شدند. این امر در راستای نمونه‌گیری نظری انجام گردید که با ماهیت روش نظریه زمینه‌ای سازگاری زیادی داشت. پس از آن که خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، مجموعه سوالات بازی طراحی شد و فرایند مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت.

داده‌ها بعد از جمع‌آوری به متن تبدیل شده و فرایند تجزیه و تحلیل آن‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفت. در تحقیق حاضر برای تضمین قابلیت اعتماد، محقق، مدت زمانی طولانی در میدان تحقیق با مشارکت کنندگان گوناگون در ارتباط بوده است و از تجربه زیسته اشتغال در سازمان اخذ مالیات برای گردآوری اطلاعاتی عمیق‌تر سود جسته است. کما اینکه نتایج تحلیل داده‌ها به همراه جداول کدگذاری، ضمن دریافت تأیید سه تن از اساتید برجسته، در اختیار تعداد محدودی از مشارکت کنندگان پژوهش قرار گرفته است تا بتوان نسبت به مطابقت تحلیل با نقل قول‌های مشارکت کنندگان اطمینان حاصل کرد. لازم به ذکر است که مصاحبه با رضایت مشارکت کنندگان و در محیطی آرام انجام شد. برای رعایت حریم شخصی، برای مشارکت کنندگان، نام مستعار انتخاب شد و برای حفظ معیار رازداری، از انتشار اطلاعات خصوصی مشارکت کنندگان جلوگیری شد.

یافته‌های پژوهش

با تحلیل موشکافانه در گزاره‌های حاصل از مصاحبه‌های کارشناسان سازمان امور مالیاتی، تعداد ۹۷ مفهوم، ۳۸ مقوله فرعی، ۱۹ مقوله اصلی و یک مقوله هسته تحت عنوان «بیگانگی نظری - عملی از مالیات‌ستانی - مالیات‌دهی ایده‌آل» ایجاد شده است. مقوله هسته اکتشافی حاکی از فرایندی است که نیروی انسانی سازمان و مؤدیان مالیاتی از مالیات‌ستانی و مالیات‌دهی بیگانه شده و به اقداماتی هنجارشکنانه می‌پردازند. به منظور روشن‌سازی جریان حاکم بر گزاره‌ها، جدول مقولات اصلی و مدل پارادایمی برخاسته از یافته‌ها، پیوست و تشریح شده است.

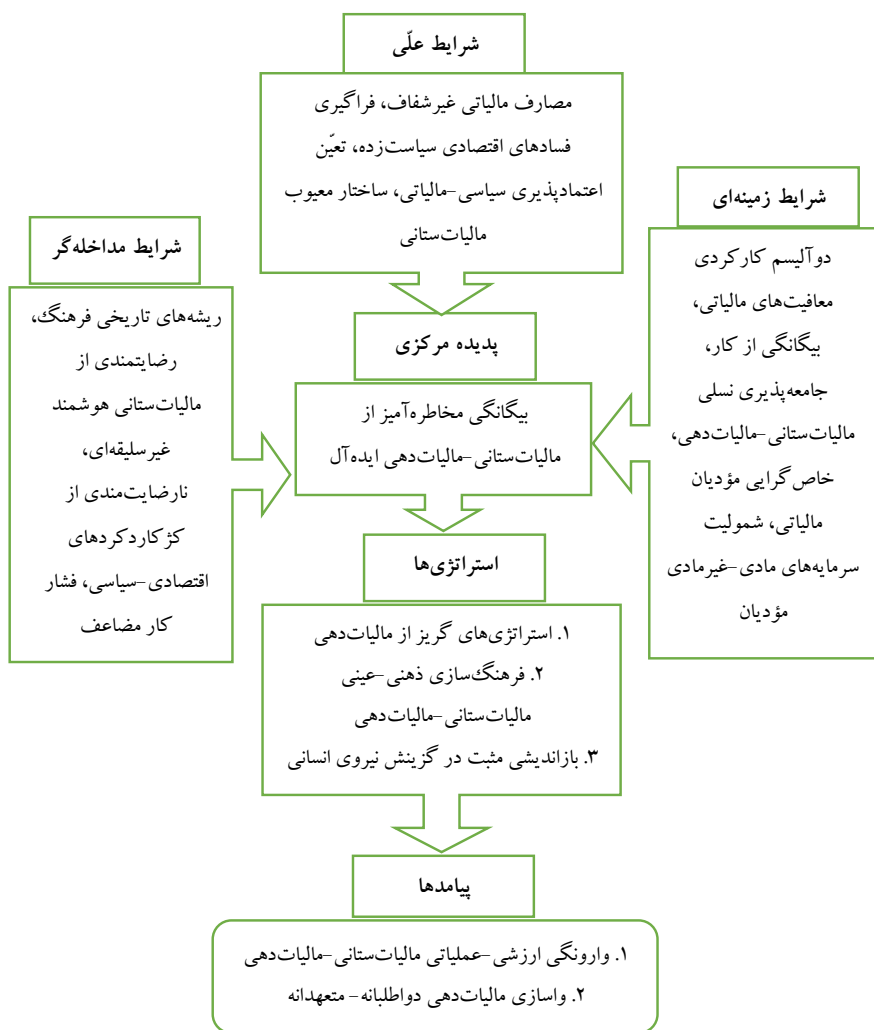
جدول ۲. مقوله‌های اصلی و هسته

مقوله‌های اصلی	مقوله‌هسته
مصارف مالیاتی غیرشفاف	
فراگیری فسادهای اقتصادی بدون مجازات	
تعین اعتمادپذیری سیاسی-مالیاتی	
ساختار معیوب مالیات‌ستانی	
دوآلیسم کارکردی معافیت‌های مالیاتی	
بیگانگی از کار	
جامعه‌پذیری نسلی مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی	
خاص‌گرایی مؤدیان مالیاتی	
شمولیت سرمایه‌های مادی-غیرمادی مؤدیان	بیگانگی نظری-عملی از مالیات‌ستانی - مالیات‌دهی ایده‌آل
ریشه‌های تاریخی فرهنگ	
رضایت‌مندی از مالیات‌ستانی هوشمند غیرسلطه‌ای	
نارضایت‌مندی از کارکردهای اقتصادی-سیاسی	
فشار کار مضاعف	
بیگانگی مخاطره‌آمیز از مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل	
استراتژی‌های گریز از مالیات‌دهی	
فرهنگ‌سازی ذهنی-عینی مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی	
بازاندیشی مثبت در گزینش نیروی انسانی	
وارونگی ارزشی-عملیاتی مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی	
واسازی مالیات‌دهی دواطلبانه-متعهدانه	

منبع: یافته‌های پژوهش.

در این قسمت سعی می‌شود بر اساس منطق مدل پارادایمی، یافته‌های پژوهش حاضر، تشریح شود. فرایندها و فعالیت‌هایی که در این پژوهش جریان دارد، پدیده مرکزی «بیگانگی مخاطره‌آمیز از مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل» را بازنمایی می‌کند که در ادامه، به همراه شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها تشریح گردیده است.

نمودار ۱. مدل پارادایمی بیگانگی مخاطره‌آمیز از مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل



منبع: یافته‌های پژوهش.

شرایط علی

عوامل و شرایطی که در بروز پدیده مرکزی نقش علی و تعیین‌کننده دارند، از شرایط علی مدل پارادایمی محسوب می‌شوند. در این قسمت، شرایطی بازنمایی می‌شود که مؤدیان از سازمان مالیات و مالیات‌دهی ایده‌آل بیگانه می‌شوند.

اعتماد یکی مؤلفه‌های بسیار مهم در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که فرسایش آن می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری در هر عرصه و قلمرویی به همراه داشته باشد. اعتماد به دولت، مسئولان و سازمان مالیاتی در نگرش و رفتار مؤدیان نقشی تعیین‌کننده دارد و کاهش آن می‌تواند تمایل به تمکین مالیاتی را تضعیف کند. عملکرد ناعادلانه و غیرشفاف سازمان و نیز تعمیم بی‌اعتمادی اجتماعی - سیاسی به حوزه مالیات، از جمله دلایل اصلی تضعیف این اعتماد است. همچنین ضعف ساختاری در سیاست‌گذاری‌های مالیاتی و ناتوانی سازمان در دسترسی به اطلاعات جامع اقتصادی مؤدیان، عدالت مالیاتی را خدشه‌دار کرده و به بی‌اعتمادی دامن می‌زند.

مصارف مالیاتی غیرشفاف این چنین بازتعریف شده است:

«فرار مالیاتی در اکثر موارد عمدی و با قصد فرار یا کتمان انجام

می‌شود. در کنار سایر موارد مؤثر در فرار مالیاتی می‌توان به مواردی

نظیر: شفاف نبودن مصارف درآمدهای مالیاتی اشاره نمود».

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، ناظر بر بسترها و شرایط خاصی است که با پدیده مرکزی و استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان در ارتباط است. بخشودگی جرائم مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی یکی از اقدامات سازمان مالیات‌ستانی است که به‌رغم کارکردهای مثبتی چون وصول مالیات‌های معوق، اغلب، احساساتی دوگانه یا متعارض را نیز در مؤدیان مالیاتی برانگیخته است. به این صورت که بخشودگی جرائم مالیاتی و معافیت‌ها گرچه به وصول بدهی‌های معوق کمک کرده، اما در میان مؤدیان خوش‌حساب، نوعی احساس بی‌عدالتی و رانت را ایجاد نموده است. در مقابل، مؤدیانی که سهواً بدهی داشته‌اند از این سیاست استقبال کرده‌اند. آن‌ها به واسطه بخشودگی جرائم، نسبت به پرداخت مالیات‌های معوق خود اقدام نموده و به‌مراتب فشار و بار روانی کمتری احساس می‌کنند. دوآلیسم کارکردی بخشودگی جرائم مالیاتی این چنین بازتعریف شده است:

«بخشودگی ۰۰۱ درصدی چند سال اخیر شاید باعث وصول

قسمتی از مالیات‌های معوق گردیده باشد ولی نارضایتی مؤدیان

خوش حساب را نیز در پی داشته است».

از دیگر عوامل زمینه‌ای می‌توان به بیگانگی کارکنان مالیاتی از مسئولیت‌پذیری و وجدان

کاری اشاره کرد که منجر به رشوه‌گیری، بررسی سطحی پرونده‌ها و برخورد نامناسب با مؤدیان می‌شود. در مقابل، جامعه‌پذیری مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و تعهد اجتماعی در میان کارکنان و مؤدیان، مانع فرار مالیاتی خواهد بود. به عنوان مثال، مأموران و مؤدیان که در خانواده‌هایی متعهد به دین و ارزش‌های اخلاقی-انسانی و به ویژه متعهد به سنت مالیات‌دهی و قانونمند، رشد و پرورش یافته‌اند، کمتر رفتارهای نابهنجارانه را در خود پرورش می‌دهند و امکان هنجارشکنی و مالیات‌گریزی از سوی آن‌ها به حداقل خواهد رسید.

در همین راستا خاص‌گرایی مؤدیان و یا مأموران مالیاتی نیز در عملکرد مالیات‌ستانی یا رفتار مالیاتی مؤدیان نقش قابل توجهی دارد. به گونه‌ای که افرادی که منافع ملی و جمعی را بر منافع فردی و آنی ترجیح می‌دهند و نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت دارند، در هر شرایط جرم‌خیزی، از مالیات‌گریزی یا هنجارشکنی خودداری می‌کنند. خاص‌گرایی مؤدیان مالیاتی این چنین منتقل شده است:

«به طور کلی، علل فرار از نظام مالیاتی را می‌توان به چند دسته

عمده تقسیم کرد؛ دسته اول علل مربوط به پرداخت‌کنندگان، مثل

نفع‌پرستی و ترجیح دادن منافع شخصی بر منافع اجتماعی است.»

شمولیت سرمایه‌های مادی-غیرمادی مؤدیان یکی از مهم‌ترین شرایطی است که در جامعه به طور عام و در امر مالیات‌دهی به طور خاص از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. بدین صورت که در گام نخست، میزان سرمایه‌های مادی مؤدیان، تعیین‌کننده میزان مالیاتی است که موظف به پرداخت آن هستند و در غیر این صورت، عدالت سازمان زیر سؤال می‌رود. اگرچه سرمایه‌های مالی در تعیین میزان مالیات پرداختی مؤثر است، ولی در تضمین پرداخت مالیات نقش چندانی ندارد؛ به گونه‌ای که برخی ثروتمندان جامعه به طرق مختلف از پرداخت مالیات واقعی اجتناب می‌کنند. اما برخورداری از سرمایه‌های فرهنگی-اجتماعی در تضمین پرداخت مالیات، نقش نسبتاً برجسته‌ای دارند؛ به عنوان مثال، انگیزه مشارکت اجتماعی یا سطح تحصیلات و سواد مالی می‌تواند در مالیات‌دهی داوطلبانه نقش تسهیل‌کننده داشته باشد. محرومیت از چنین سرمایه‌هایی، می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری چون سوءاستفاده کلاهبرداران از افراد جامعه و تحمیل ناعادلانه مالیات را به همراه داشته باشد.

شرایط مداخله گر

شرایط مداخله گر در مقایسه با شرایط زمینه‌ای، بر شرایط گسترده و کلان‌تری دلالت دارد که پدیده مرکزی را تشدید یا تضعیف نموده و استراتژی‌ها در آن به وقوع می‌پیوندد. ریشه‌های تاریخی-فرهنگی جامعه انسانی، در رفتار مالیاتی مؤدیان نقش دارد. گاهی فرهنگ و رفتار مالیاتی، ریشه در تاریخ و فرهنگ دارد که برای اصلاح و بهبود آن می‌بایست به گذشته رجوع شود و نقاط مثبت یا ضعف فرهنگی و یا شرایطی که آن زمان، منجر به رفتار مالیاتی مطلوب یا نامطلوب می‌شده را استخراج نمود. به عنوان مثال، دریافت رشوه در طول تاریخ، توسط حاکمان و مسئولان حکومتی نیز انجام می‌شده و گاهی از آن، تحت عنوان هدیه یا پیش‌کش یاد می‌شده است که این وضعیت، امروزه نیز به گونه‌های مختلف توسط نیروی انسانی سازمان‌ها انجام می‌شود.

اما گذار از مالیات‌ستانی سنتی با هوشمندسازی سامانه‌های اخذ مالیات و انجام امور به گونه‌ای الکترونیکی یکی از اقدامات مثبتی بوده است که فارغ از نقاط ضعف و نقص‌هایی چون دسترس‌ناپذیری بانک اطلاعاتی جامع، با کاهش برخوردهای سلیقه‌ای و افزایش شفافیت، توانسته است بخشی از اعتماد مؤدیان را بازگرداند. هوشمندسازی مالیات‌ستانی این چنین منتقل شده است:

«با توجه به جمیع جهات با هوشمندسازی اخذ مالیات و تعیین

مالیات بر اساس داده‌هایی که سازمان در اختیار دارد بدون اعمال

سلیقه نیروی انسانی، اعتماد و رضایت بیشتری حاصل می‌شود».

از سویی دیگر، نارضایت‌مندی از کژکارکردهای اقتصادی-سیاسی، یکی از شرایطی است که نقش قابل توجهی در تشدید بیگانگی از مالیات‌دهی ایده‌آل داشته است. بدین معنا که به واسطه وابستگی به اقتصاد رانتی حاصل از فروش منابع زیرزمینی، دولت کمتر به منابع مالیاتی نیاز داشته است، ولی اخیراً به واسطه تحریم‌های اقتصادی سیاست‌زده فراملی، دولت از مهم‌ترین منابع درآمدی خود محروم شده است. وابستگی به اقتصاد رانتی و فقدان پویایی اقتصاد داخلی در شرایط تحریم‌های فراملی، منجر به نیاز مبرم دولت به منابع مالیاتی گردیده است. از این رو بر مالیات‌ستانی تمرکز بیشتری شده است تا بخشی از درآمدهای دولت برای تأمین خدمات عمومی، رفاهی و توسعه‌ای فراهم شود.

در مقابل، به واسطه نابه‌سامانی‌های اقتصادی، تورم و رکودهای بی‌رویه، نه تنها وضعیت

معیشتی مردم، بلکه سلامت روان آنها نیز تحت تأثیر قرار گرفته است؛ به ویژه تمرکز دولت بر مالیات‌ستانی، فشار مضاعفی بر فعالان اقتصادی و مؤدیان مالیاتی به همراه داشته است که همدلی کارکنان مالیاتی با مؤدیان را برانگیخته است. کژکارکردهای اقتصادی-سیاسی این چنین روایت شده است:

«شرایط اقتصادی موجود بر مردم فشار زیادی وارد نموده به نحوی که معیشت برخی افراد تحت تأثیر قرار گرفته و از طرفی تحریم‌ها و عدم فروش نفت منجر گردیده که دولت، حساب ویژه‌ای برای درآمدهای مالیاتی باز کند که با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی فشار بر مردم را دو چندان نموده است».

وجود اظهارنامه‌های مالیاتی انبوهی که می‌بایست در کوتاه‌ترین زمان مورد بررسی قرار گیرد، یکی از مسائلی است که کارمندان را دچار تنش‌ها و استرس‌های شغلی می‌کند. حجم بالای پرونده‌ها و محدودیت منابع انسانی، استرس شغلی کارکنان را افزایش داده و بر کیفیت رسیدگی تأثیر منفی گذاشته است.

پدیده مرکزی

با نظر بر آنچه گذشت، پدیده مرکزی پژوهش تحت عنوان «بیگانگی مخاطره‌آمیز از مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل» برساخت شده است. بیگانگی از مالیات‌ستانی، پدیده‌ای است که در نیروی انسانی سازمان مالیات‌ستانی و مؤدیان مالیاتی شکل می‌گیرد. بدین صورت که اغلب مأموران مالیاتی از بررسی دقت‌مندانه پرونده‌های مالیاتی فاصله گرفته و عملکرد آنها به قضاوت‌های سلیقه‌ای، برخوردهای شخصی، فقدان برخورد قاطع در مقابل هنجارشکنان مالیاتی تا اخذ رشوه از مؤدیان مالیاتی، نزدیک شده است. این بیگانگی مأموران مالیاتی، به گونه‌ای نسبتاً همزمان، بیگانگی مؤدیان از مالیات‌دهی صادقانه را نیز به دنبال دارد. بررسی غیردقیق پرونده‌های مالیاتی، این چنین منتقل شده است:

«و این امر نیز باعث گردیده است که بعضاً در تشخیص مالیات برای اشخاص مختلف دچار افراط و تفریط گردند که این امر نیز به افزایش فرار مالیاتی منجر می‌گردد».

بنابراین، ابتدا بیگانگی از مالیات‌ستانی عادلانه و ایده‌آل در مأموران و مؤدیان مالیاتی شکل گرفته و پس از آن بیگانگی از مالیات‌دهی بازنمایی می‌شود. بیگانگی مؤدیان از مالیات‌دهی ایده‌آل ناظر بر شکل‌گیری باورداشت‌های عموماً بدبینانه نسبت به سازمان و حتی مسئولین مالیات‌ستانی، از جمله باورهایی نظیر مالیات‌دهی اقشار کم درآمد و مالیات‌گریزی اقشار ثروتمند و قدرتمند بوده است. چنین باورداشت‌ها یا سوءبرداشت‌هایی، شکل‌گیری احساس نابرابری، بی‌اعتمادی و بی‌عدالتی در مؤدیان را نیز به دنبال خواهد داشت. به گونه‌ای که برخی نسبت به سازمان مالیات، اعتمادی نداشته و برقراری عدالت توسط سازمان را باور ندارند.

البته لازم به ذکر است که این بی‌اعتمادی اغلب محصول مستقیم عملکرد سازمان مالیات نبوده است، بلکه نظر به نابسامانی‌ها و هنجارشکنی‌های اقتصادی چون اختلاس، رشوه و نظیر این‌ها که اخیراً به طور عینی، فراگیر شده است، افراد جامعه به طور عام، و مؤدیان مالیاتی به طور خاص، نسبت به دولت بی‌اعتماد شده‌اند و بی‌اعتمادی نسبت به دولت را به تمام عرصه‌ها، از جمله سازمان مالیات‌ستانی، تعمیم داده‌اند. بی‌اعتمادی نسبت به مسئولین مالیاتی این چنین منتقل شده است:

«با توجه به اختلاس‌های سال‌های اخیر و تورم و وضعیت نابسامان اقتصادی، اعتماد مردم به دولت کمرنگ گردیده که به تبع آن اعتماد به مسئولین مالیاتی نیز کمتر شده است».

اگرچه این احساسات و باورداشت‌ها نسبی بوده و مؤدیان به میزان متفاوتی به سازمان، مسئولین سازمانی و برخورد عادلانه، اعتماد دارند. همان‌طور که برخی برخورد ناعادلانه سازمان را ضعیف ارزیابی می‌کنند، برخی دیگر، حتی از معافیت‌های مالیاتی که در حق برخی اقشار انجام می‌شود، احساس سرخوردگی می‌کنند. این فرایند تا جایی پیش می‌رود که مؤدیان نسبت به چرایی و چگونگی پرداخت مالیات نیز دچار دوگانگی شده و قادر به درک چرایی مالیات‌دهی نیستند و متعاقباً دیگر اعتقادی به پرداخت مالیات به دولت ندارند.

در نتیجه، این فرایند، بیگانگی از مالیات‌دهی را بازنمایی می‌کند که مخاطراتی به ویژه برای دولت، از جمله فرسایش تمکین مالیاتی، گریزهای مالیاتی و متعاقباً ناتوانی در تأمین هزینه‌های خدمات عمومی و غیره را به همراه خواهد داشت. البته نقطه مقابل نیز افراد جامعه هستند که با اقدامات نابهنجارانه مالیاتی، به تدریج از اقدامات توسعه‌ای، خدماتی و رفاهی دولت محروم خواهند شد. نامقبولیت ذهنی مالیات‌ستانی این چنین منتقل شده است:

«عدم اعتقاد به نظام مالیاتی یعنی با مراجعه به مؤدیان مالیاتی، این نتیجه حاصل می‌شود که اکثراً اعتقادی به لزوم پرداخت مالیات وضع شده از طرف دولت ندارند».

استراتژی‌ها

در مواجهه با پدیده مرکزی، اقداماتی از سوی مأموران مالیات‌ستانی و مؤدیان انجام گرفته و یا ضرورت انجام آن برای مدیریت و برخورد با پدیده مرکزی احساس می‌شود. بدین صورت که مؤدیان بیگانه با مالیات‌دهی ایده‌آل، از استراتژی‌هایی برای گریز از پرداخت مالیات و یا تخفیف مالیاتی که موظف به پرداخت آن هستند، بهره می‌گیرند که برخی از آن‌ها عامیانه و برخی نخبه‌گرایانه می‌باشد. از این‌رو گریزهای مالیاتی عامیانه‌ای ایجاد شده‌اند که اغلب آحاد جامعه، قادر به انجام آن هستند و با اقداماتی اجتنابی، از اظهار درآمد خودداری کرده و یا با استراتژی‌های فریب کارانه، درآمد واقعی خود را مخفی می‌کنند. گریزهای مالیاتی عامیانه این چنین بازتعریف شده است:

«فرار مالیاتی می‌تواند از روش‌های مختلفی انجام شود. یک فعال اقتصادی ممکن است که علی‌رغم داشتن درآمد نسبت به ارائه اظهارنامه مالیاتی اقدام ننماید (با هدف فرار از پرداخت مالیات) یا ممکن است اظهارنامه بدهد ولی درآمد واقعی‌اش را کتمان کند».

اما گریزهای مالیاتی از آن‌رو نخبه‌گرایانه ایجاد شده‌اند که اغلب، به تنهایی امکان‌پذیر نیست و بیشتر با بهره‌گیری از مشاوره و راهنمایی‌های افراد خبره و آشنا با قوانین مالیاتی یا روش‌های قانون‌گریزی و حساب‌سازی قابل انجام است. در این شیوه‌های گریز، مؤدیان اغلب با بهره‌گیری مستقیم یا غیرمستقیم از راهنمایی و مشاوره‌های حسابداران یا کارمندان مالیات‌ستانی اقدام به هنجارشکنی می‌کنند. اما در حالتی دیگر، ممکن است فعالان اقتصادی یا کلاه‌برداران با سوءاستفاده از فقر اقتصادی و سواد مالی برخی افراد، به نام آن‌ها کارت‌های بازگانی صادر کرده و متعاقباً به فعالیت‌های اقتصادی مبادرت ورزند، بی‌آنکه خود موظف به پرداخت مالیاتی شوند. گریزهای مالیاتی نخبه‌گرایانه این چنین تعریف شده است:

«ولی هستند مدیران مالی یا سایر افراد شاغل در حرفه حسابداری که در رفتاری غیرحرفه‌ای اقدام به حساب‌سازی یا سایر مواردی در جهت فرار یا کاهش مالیات یا کتمان درآمد انجام می‌دهند».

در مقابل استراتژی‌های گریز مالیاتی و به منظور مدیریت و برخورد با پدیده بیگانگی از مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل، اقدامات فرهنگی و اصلاحی ضرورت می‌یابد. اقدامات فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی آن در سطحی عینی و ذهنی دنبال می‌شود تا ثمرات بیشتر و عمیق‌تری حاصل شود. در بحث فرهنگ‌سازی فارغ از تبلیغات رسانه‌ای، اقداماتی ضرورت می‌یابد که تمام باورداشت‌های مبتنی بر مالیات‌ستانی ناعادلانه را تخریب نموده و در جهت مثبت‌واسازی کند. بنابراین چنین هدفی از رهگذر تبلیغات رسانه‌ای سطحی قابل تحقق نیست، بلکه برای تغییر در ذهنیت و باورها، لازم است ابتدا در سطح عینی به شفاف‌سازی هنجارهای مالیاتی، مصارف و هزینه‌کرد مالیات دریافتی و ثمرات آن پرداخت.

علاوه بر این، برای فرهنگ‌سازی مطلوب‌تر و پرداخت داوطلبانه و متعهدانه مالیات، لازم است انگیزه مؤدیان را نیز تحریک و تقویت نمود. برای انگیزه‌سازی مثبت، در کنار اقدامات شفاف و عینیت‌بخشی به مصارف و ثمرات مالیات، مانند بهبود امکانات رفاهی و خدماتی، اقدامات دیگر، نظیر قدردانی و تشویق مؤدیان خوش حساب و بهبود برخورد و پاسخگویی نیروی انسانی سازمان به مؤدیان نیز ضرورت دارد. با چنین اقدامات فعالانه و شفاف، خودبه‌خود، باور مؤدیان نسبت به مالیات‌ستانی - مالیات‌دهی در جهت مطلوب، بازسازی شده و ایشان را نسبت به پرداخت مالیات متمایل می‌کند، بدون این که اجباری بر خود احساس کنند. اگر فرهنگ‌سازی بدین شیوه انجام می‌گرفت، اغلب اثرات مطلوب‌تر و عمیق‌تری نیز به همراه داشت، تا تبلیغات رسانه‌ای صرف که در تغییر ذهنیت و باور افراد هم، چندان موفق نبوده که بتواند در سطح عملکرد، حائز اثر شود. ضرورت باور به مالیات‌ستانی عادلانه این چنین بازتعریف شده است:

«از طرفی همان‌طوری که می‌دانیم لازمه و شرط اول برای ترویج

هر مقوله عدالت است، یعنی وقتی مردم مطمئن شوند که چارچوب

قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده و اجرا می‌شود و هیچ

تبعیضی بین افراد جامعه وجود ندارد، آن‌گاه خودشان را مطیع قانون

دانسته و اطاعت از آن را واجب می‌دانند».

از دیگر اقداماتی که برای برخورد با پدیده مرکزی ضرورت می‌یابد، بازاندیشی در گزینش نیروی انسانی و به ویژه، مسئولان عالی‌رتبه و تأثیرگذار در سازمان است که مسئولیت مهم‌تر و بیشتری در امر مالیات‌ستانی بر عهده دارند. ضروری است که سازمان و مسئولین ذی‌ربط اهتمام ورزند تا افرادی برای سمت مدیریت و سایر پست‌های سازمانی انتخاب شوند که از اقتدار،

مهارت و تخصص‌های لازم برای اداره سازمان برخوردار باشند. ضمن این که لازم است افرادی علاقه‌مند، مسئولیت‌پذیر، خلاق و متعهد به ارزش‌های اخلاقی و متعهد به سازمان، استخدام شوند تا عملکرد مطلوبی از خود نشان داده و به واسطه آن ریسک افزایش بیگانگی مؤدیان از مالیات‌ستانی - مالیات‌دهی و فقدان تمکین مالیاتی را به حداقل رسانند.

پیامدها

حال با توجه به فرایند و فعالیت‌هایی که جریان داشت، وارونگی ارزشی - عملیاتی مالیات‌ستانی - مالیات‌دهی به عنوان پیامدی منفی، و واسازی مالیات‌دهی داوطلبانه - متعهدانه به عنوان پیامدی مثبت ایجاد شده است. بیگانگی از نظام مالیاتی، منجر به وارونگی ارزشی می‌شود؛ به گونه‌ای که فرار مالیاتی به عنوان زرنگی و هوشمندی قلمداد می‌شود و مالیات‌دهی ارزش خود را از دست می‌دهد. در مقابل، در صورت موفقیت اقدامات فرهنگی و اصلاحی، می‌توان به احیای اعتماد، بازسازی ارزش مالیات‌دهی و افزایش تمکین داوطلبانه امیدوار بود. وارونگی ارزشی مالیات‌دهی این چنین منتقل شده است:

«فرهنگ‌سازی بسیار مؤثر است. در فضای فرهنگی کشور، پرداخت مالیات یک ارزش تلقی نمی‌شود و بر عکس، فرار مالیاتی مورد تشویق و تمجید قرار می‌گیرد».

بحث و نتیجه‌گیری

با تجزیه و تحلیل داده‌های سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، مقوله هسته تحت عنوان «بیگانگی نظری - عملی از مالیات‌ستانی - مالیات‌دهی ایده‌آل» بر ساخت شد که در این قسمت تشریح شده است.

بیگانگی نظری - عملی از مالیات‌ستانی - مالیات‌دهی ایده‌آل، مناسب‌ترین و جامع‌ترین مقوله انتزاعی است که می‌تواند تمام مقولات فرعی و اصلی مستخرج از گزاره‌های حاصل از مصاحبه‌های کارشناسان سازمان مالیات را پوشش دهد. بر اساس جریان حاکم بر گزاره‌ها، مالیات‌ستانی ایده‌آل با ویژگی‌هایی نظیر شفافیت مصارف مالیات، قوانین و هنجارهای مالیاتی جامع، عدالت‌مندی مالیات‌ستانی، مالیات‌ستانی هوشمند و نظایر این‌ها، مالیات‌دهی داوطلبانه و متعهدانه را به دنبال دارد. ولی به دلیل فقدان شفافیت مصارف مالیاتی، ساختار معیوب

مالیات‌ستانی، بی‌اعتمادی به دولت و بی‌اعتمادی متقابل بین سازمان و مؤدیان، فشارهای اقتصادی و غیره، تمایل مؤدیان به به تمکین مالیاتی کاهش یافته است و مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی از وضعیت ایده‌آل و نرمال خود فاصله گرفته است.

بیگانگی پدیده‌ای است که در طول زندگی و در مواجهه با شرایط و بسترهای مختلف در ابعاد ذهنی و عینی شکل گرفته است. ذهنیت، ارزش‌ها و باورداشت‌ها، رفتار و کنش‌های انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منظور محقق از واژه بیگانگی در این پژوهش، فاصله گرفتن ذهنی و عملی مأموران مالیاتی و مؤدیان از ارزش‌ها، وظایف، هنجارها و اهداف ایده‌آل مالیات‌ستانی و مالیات‌دهی بوده است. این مفهوم با الهام از نظریه‌های جامعه‌شناسی، اعم از مارکس، دورکیم، زیمل، و روان‌شناسی سازمانی و مدیریت عمومی، ناظر بر کاهش تعهد، مسئولیت‌پذیری، و درک عدالت و انگیزه در تعاملات نظام مالیاتی به کار گرفته شده است؛ به طوری که افراد احساس تعلق و اعتماد خود را نسبت به نظام مالیاتی از دست داده و در عمل نیز از آن فاصله می‌گیرند.

بنابراین بیگانگی در این پژوهش، دارای دو بعد اصلی نظری (ذهنی) و عملی (رفتاری) است:

۱. بیگانگی نظری (ذهنی): منظور از آن، کاهش یا فقدان باور و احساس تعلق به عدالت، کارآمدی، شفافیت و ضرورت نظام مالیاتی است. به بیان دیگر، مؤدیان و حتی کارکنان مالیاتی، دیگر نظام مالیاتی را به عنوان ابزاری منصفانه برای توسعه کشور تلقی نمی‌کنند و نسبت به آن و دستاوردهای آن بدبین هستند.

۲. بیگانگی عملی (رفتاری): در سطح عملی یا رفتاری، بیگانگی خود را در اشکالی مانند عدم تعهد شغلی، فساد اداری، برخوردهای سلیقه‌ای، عدم پاسخگویی، مالیات‌گریزی یا رفتارهای فرصت‌طلبانه نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است که بیگانگی پدیده‌ای است که یک روزه شکل نگرفته است، بلکه در گذر زمان و به تدریج، در مواجهه با شرایط و مسائل مختلف شکل گرفته و دچار نوسان شده است. از این رو می‌توان نوعی برهم‌کنش و رابطه دیالکتیک بین سطوح ذهنی و عینی مرتبط با مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی را تصور کرد که می‌تواند پیامدهای مخاطره‌آمیزی چون تشدید بیگانگی از مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل را به همراه داشته باشد. به عنوان نمونه، کارکنان سازمان مالیات‌ستانی از مالیات‌ستانی ایده‌آل و ارزش‌ها و هنجارهایی که در سال‌های

ورود به سازمان با خود داشته‌اند، فاصله می‌گیرند و در صورت امکان، برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای سازمان، فعالیت می‌کنند. بنابراین با بیگانگی کادر مالیات‌ستانی، متقابلاً باورهای نظیر مالیات‌ستانی نابرابر شکل می‌گیرد که مالیات‌ستانی ناعادلانه از نمودهای آن محسوب می‌شود. همسو با مالیات‌ستانی ناعادلانه، بی‌اعتمادی متقابل میان کادر مالیات‌ستانی و مؤدیان مالیاتی شکل می‌گیرد. در این حالت، مؤدیانی که با مالیات‌دهی بیگانه می‌شوند، قادر به درک چرایی پرداخت مالیات نیستند که این بیگانگی نظری به فقدان تمکین مالیاتی و مالیات‌گریزی، در سطح عملیاتی منجر می‌شود. همچنین گریزهای مالیاتی اغلب به دو صورت عامیانه و نخبه‌گرایانه توسط مؤدیان انجام می‌شود.

همان‌طور که بیگانگی در دو سطح نظری و عملی شکل گرفته است، لازم است فرهنگ‌سازی نیز برای واسازی مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل در دو سطح عینی و ذهنی پیگیری شود. بدین صورت که در سطح عینی و عملی لازم است مصارف و هزینه‌کرد مالیات برای افراد جامعه شفاف‌سازی شود، مالیات‌ستانی به گونه‌ای عادلانه انجام گیرد، کادر مالیات‌ستانی با مؤدیان به گونه‌ای مطلوب و شایسته برخورد کنند، و از مؤدیان خوش حساب به گونه‌ای سزاوار تقدیر شود. با انجام چنین اقداماتی، خودبه‌خود، باور به عدالت، مطلوبیت‌ها و ثمرات مالیات پرداختی برای افراد جامعه، ایجاد، واسازی و نهادینه می‌شود. در کنار اقداماتی که در مسیر باورسازی و انگیزه‌سازی مثبت جای می‌گیرند، نمی‌توان از تبلیغات رسانه‌ای نیز غافل بود و در صورت پیگیری فرهنگ‌سازی در این سه سطح می‌توان نسبت به واسازی مالیات‌ستانی-مالیات‌دهی ایده‌آل امیدوار بود.

بنابراین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش اعتماد، شفافیت، عدالت و هوشمندسازی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش بیگانگی و تقویت تمکین مالیاتی ایفا نماید که همسو با (Niazi et al., 2024; Rabi Beigi et al., 2023; Aghajani, 2017; Xia et al., 2017) است. اگر مردم بدانند مالیاتی که به دولت پرداخت می‌کنند برای انجام چه اموری مصرف می‌شود و تأثیر آن را بر افزایش کیفیت خدماتی عمومی احساس کنند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در پرداخت مالیات پیدا می‌کنند.

تعارض منافع
تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری
از همه مشارکت‌کنندگان در پژوهش، صمیمانه تشکر می‌شود.

ORCID

Alireza Zare* 	https://orcid.org/
SyedAlireza Afshani 	https://orcid.org/
Negin Naeimi	https://orcid.org/

References

1. Aghajani, A. (2017). Strategies for Increasing Tax Confidence and Perception of Public Participation in Tax Payment. *Fourth National Conference on Management and Accounting*, Jiroft, Iran. [In Persian]
2. Hamzah, A., Rahayu, A. L., Khaerunnisa, H. F., Riska, R., & Aulia, D. H. (2023). Factors Affecting Community Participation in Paying Land and Building Tax in Kuningan Regency. *Jambura Equilibrium Journal*, 5(1), 9-16[†]
3. Izadbakhsh, M., Ghiasi, P., Sohrabi, M. & Eslami, M. (2017). Investigating Factors Affecting Public Trust and Participation in Paying Taxes. *The 7th National Conference on Management, Economics and Accounting*, Tabriz, Iran. [In Persian]
4. Khadem Alizadeh, A. (2017). A Tax System Compatible with the Resistance Economy in Iran (with Emphasis on Macroeconomic Stabilization, Flexibility, Transparency and Accountability). *Tax Research Journal*, 24(32), 145-176. [In Persian]
5. Mollanazari, M., Abouhamzeh, M., & Mirzaee Abbasabad, M. M. (2016). Organizational Culture and Corporate Tax Compliance (The Case Study of Large Taxpayers Units). *Accounting and Auditing Review*, 23(1), 1-18. [In Persian]
6. Niazi, M., Zolfaghari, A., Rezaei, E., & Abshirin, S. (2024). Identifying and Ranking the Effective Factors on Increasing the Participation of Iranians in Paying Taxes. *Socio-Cultural Strategy*, 13(3), 907-936. [In Persian]
7. Rabi Beigi, H., & Mohammadi Pour, M. P., Noravesh, I., & Salehi, R. (2023). Presenting the Model of Tax Morale with Grounded Theory Approach. *Financial Economics*, 17(63), 193-226. [In Persian]
8. Sameti, M., Amiri, H., & Heydari, Z. (2015). The Effect of Tax Morale on Tax Compliance (Case Study: Isfahan City). *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 23(75), 231-262. [In Persian]
9. Sanjrani, T. (2021). Investigating the Factors Affecting the Facilitation of Tax Payment by Taxpayers and Identifying the Existing Factors. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 5(16), 104-125. [In Persian]
10. Sayadi Soumar, A., Rahnama Roodposhti, F., & Kakaei Tabar, Z. (2018). The Causes of Tax Evasion in Iran with Concentration in Gap View of Taxpayers and Tax Staff Based on the AHP Model. *Journal of Accounting and Social Interests*, 8(1), 27-52. [In Persian]
11. Srivastava, H. S., Singh, G., & Mishra, A. (2018). Factors Affecting Consumers' Participation in Consumption Tax Evasion. *Journal of Indian Business Research*, 10(3), 274-290.

12. Xia, C., Cao, C., & Chan, K. C. (2017). Social Trust Environment and Firm Tax Avoidance: Evidence from China. *The North American Journal of Economics and Finance*, 42, 374-392.
13. Zare, A., Afshani, S. A., Eslami, H., Toutounchi, J., & Rouhani, A. (2022). A Qualitative Exploration of the Social Context of the Tax Payment Process. *Applied Sociology*, 3, 29-50. [In Persian]
14. Zare, A., Afshani, S. A., Eslami, H., Totunchi, J., & Rouhani, A. (2014). From Inversion to Deconstruction of Ideal Tax Collection-Taxation, Towards a Grounded Theory. *Economic Sociology and Development*, 1, 59-87. [In Persian]
15. Zayer, A. (2009). The Status of Simplification in Tax Reform Plans: Global Experience and the Challenges for the Iranian Tax System. *Journal of Tax Research*, 17(6), 157-184. [In Persian]

استناد به این مقاله: زارع، علیرضا، افشانی، سید علیرضا، و نعیمی، نگین. (۱۴۰۴). واکاوی بسترهای منتهی به مالیات‌گریزی مؤدیان: مطالعه موردی استان یزد. پژوهشنامه مالیات، ۳۳(۶۶)، ۹۹-۱۲۲.



Journal of Tax Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial4.0 International License.